آپادانا

ارگان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

سال سوم شماره ۱۳۰ نوروز ۱۳۳۲ بهاء دوریال

از: سرور ایرج برومند

ملت ایران بهیچ بیگانه اجازه نخواهد داد که در سرنوشت او دخالت کند

دیگر در میهن ما برای استعمار و نوکران سرسپرده آن جائی نمانده است

از موقعیکه ملت ما مبارزه خود را برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خویش شروع کرد امپریالیسم شکست خورده انگلیس که سلطه ونفوذ یکصد و پنجاه ساله خود را بردنیا درخطر میدید دست دوستی بسوی کرملین درازکرد. تاریخ ما شاهد راستگوئی دراین باره است که هرموقع امپریالیسم انگلستان درحال نزع

بقیه درصفحه ۳

از : سرور جواد تقی‌زاده

شخصیت و پرستیژ ملی

در آئین ناسیونالیسم برادری، برابری، آزادی در مکتب ما

شخصیت ملی- باید دانست که شخصیت یامنش مربوط بانسان و جوامع انسانی است و هرار کانیسمی لزومایك موجود باشخصیت نیست چنانچه حیوانات ازقبیل گاو وگوسفند وغیره شخصیت ندارندولی تابع قوانین زیست شناسی میباشند.

چهار عنصر اصلی را در شخصیت روانشناسی ذکرمیکند که بترتیب عبارتنداز

بقیه درصفحه ۲

از سرور پرویز سلطانی

رپورتاژ کاملی از جشن باشکوه و مجلل ٤ شنبه سوری در حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

چگونه جشن چهارشنبه سوری درحزب ما برگذار شد

بقیه درصفحه ۳

در آستان سال نو پیمان میسپاریم که به بهای خون خود بزرگی و سرافرازی ایران را باز آریم

یکسال گذشت... سال پرشکنج وامیدی که ملت زنجیر گسسته ایران هردم آماج تیر دسیسه و نیرنك استعمارگران خون آشام بود... سال پر زیر وزبری که هیئت حاکمه مزدور همه نیروی خودرا برای بازگرفتن سنگرهای ازدست داده بکارانداخت.

ولی مردم استعمار زده میهن ما با هشیاری وپایمردی همه توطئه‌ها را نقش برآب کرده و برگهای زرین دیگری بر تاریخ زندگی خود افزودند.

روزهای ۳۰ تیر، ۲۹ دی، ۹ اسفند روزهای پرشکوه وخونینی که رزم جویان استعمارشکن با نثارجان خودمشت بردهان غارتگران بیگانه ونوکران پست ایشان کوبیدند یکبارهٔ دیگر نشان دادرستاخیز بزرك ملت ایران چنان بنیان استواری دارد که هیچ سدی نمی تواند از گسترش آن پیشگیری کند.

با این همه نباید به پیروزی های کوچك گذشته دلخوش داشت وبدبختیها وتیره روزیها را از یاد برد .... هنوز استعمارگران بیگانه گوشه و کنار میهن ما را درچنك دارند، هنوز بازماندگان هیئت حاکمه دسیسه ونیرنك خودرادنبال میکنند، هنوزسرمایه‌داران ددمنش برجان ومال مردم دست دارند، هنوز بلشویکها ومزدوران بیگانه درمیان ملت تخم نفاق وجاسوسی میپاشند.

پس جای آن دارد که در آغاز سال نو یکبار دیگر بفرمان خون وتاریخ گوش فرادهیم و درراه سرافرازی وبزرگی ایران کهن مردانه ترگام برداریم.

از روزیکه رستاخیز خدائی بان - ایرانیسم آغاز شده ... ما در راه رسیدن بهدف صدهای بسیاری را شکسته وضربه های بیشماری برپیکردشمنان ملت کوفته‌ایم ولی نباید از یاد برد که آرمان تاریخی ایرانیان بکوشش خستگی ناپذیر نیازدارد.

ملت ایران بدنبال یکرشته مبارزات خونین کرسی نخست‌وزیری را ازچنك نوکران بیگانه بدرآورد وبدست برومندفرزند وطن دکتر محمد مصدق داد و اوهم مردانه دربرابراستعمار - گران ایستاد ونام ایران را در سراسرجهان برسرزبانها افکند.

با اینهمه چیره‌خواران سفارت دست از خدعه و نیرنك نکشیده‌و هم اکنون با نفاق‌افکندن درصف رزمجویان و برانگیختن چند سیاست باز خودخواه تلاش دیوانه‌واری برای باز گرفتن سنگر نخست وزیری از مردم می کنند.

در یك چنین روزهای تیره و تاری که دشمن زخم خورده باهمه نیرو بمیدان آمده نباید یکانگی و هم گامی خود را ازدست دادواز پشت‌سر بملت ایران خنجرزد

نباید از دولت دکترمصدق کارهائی که درخور توانائی او نیست خواست و بیهانه انجام نشدن آن فحش و ناسزا آغاز کرد بلکه باید دانست که ملت ایران دکتر مصدق را شکننده طلسم استعمار نام داده و از او جز

بقیه در صفحه ٤

پیام دبیر سازمان مرکزی

هم رزمان عزیزم

اکنون که بادر رسیدن نوروز کهن یکسال دیگر از مبارزه دلیرانه خود را پشت‌سر میگذارید، این روزه فرخنده را بیکا یك شما شادباش گفته یاد آور میشوم، **رستاخیز نزرك پان ایرانیسم که بفرمان تاریخ و نیروی شما آغاز و گسترده شده هم اکنون دامهای سهمگینی در راه سخت گذر خود دارد که باید از همه آنها مردانه گذشت.**

انبوه دشمنان پر زور وزر همه گونه دسیسه و نیرنك برای درهم شکستن صف نیرومندشما ساز میکنند اما من باارادهٔ پولادینی که در یاران خود سراغ‌دارم ازهم‌اکنون همای پیروزی‌را بآغوش آنها می بینم.

برای اینکه زودتر از زود ابرهای تیره و تار کنونی از آسمان ایران عزیز دورگردد وپراکندگی جانسوزملت ما پایان‌یابد از همه شما میخواهم که در سال نو با کوشش بیشتری نبرد را دنبال‌کنید.

حزب قهرمان ما درسال آینده بیش ازهرچیز بسامان وکار نیاز دارد شما درهرکجا که هستید کارآمد وفرمان گزار باشید، بشود که‌دادار پاك ما را دراین پیکار بزرك میهنی کامیاب کند.

پاینده ایران

یکم فروردین هزاروسیصدوسی‌ودو

داریوش فروهر

سه جلاد قرن بیستم را بشناسید

مالنکف - مولوتوف - بریا و سوابق دشمنی آنها با ایران

مالنکف و بریا تا کنون ۱۰ ملیون نفر از مسلمانان

وایرانیان قفقاز وآسیای میانه را کشته‌اند

اسرار قرارداد اشغال ایران که درسال ۱۳۱۹ بامضای مولوتوف رسیده است

مالنکف - مولوتف - بریادرآدمکشی شاگرد باوفای استالین هستند

بس ازمرك استالین ظاهرا زمام امور کشور روسیه بدست سه نفر افتاده است.

گرچه مالنکف جانشین استالین و دیکتاتورروسیه‌است، معذالك چنین‌نظر

بقیه درصفحه۳

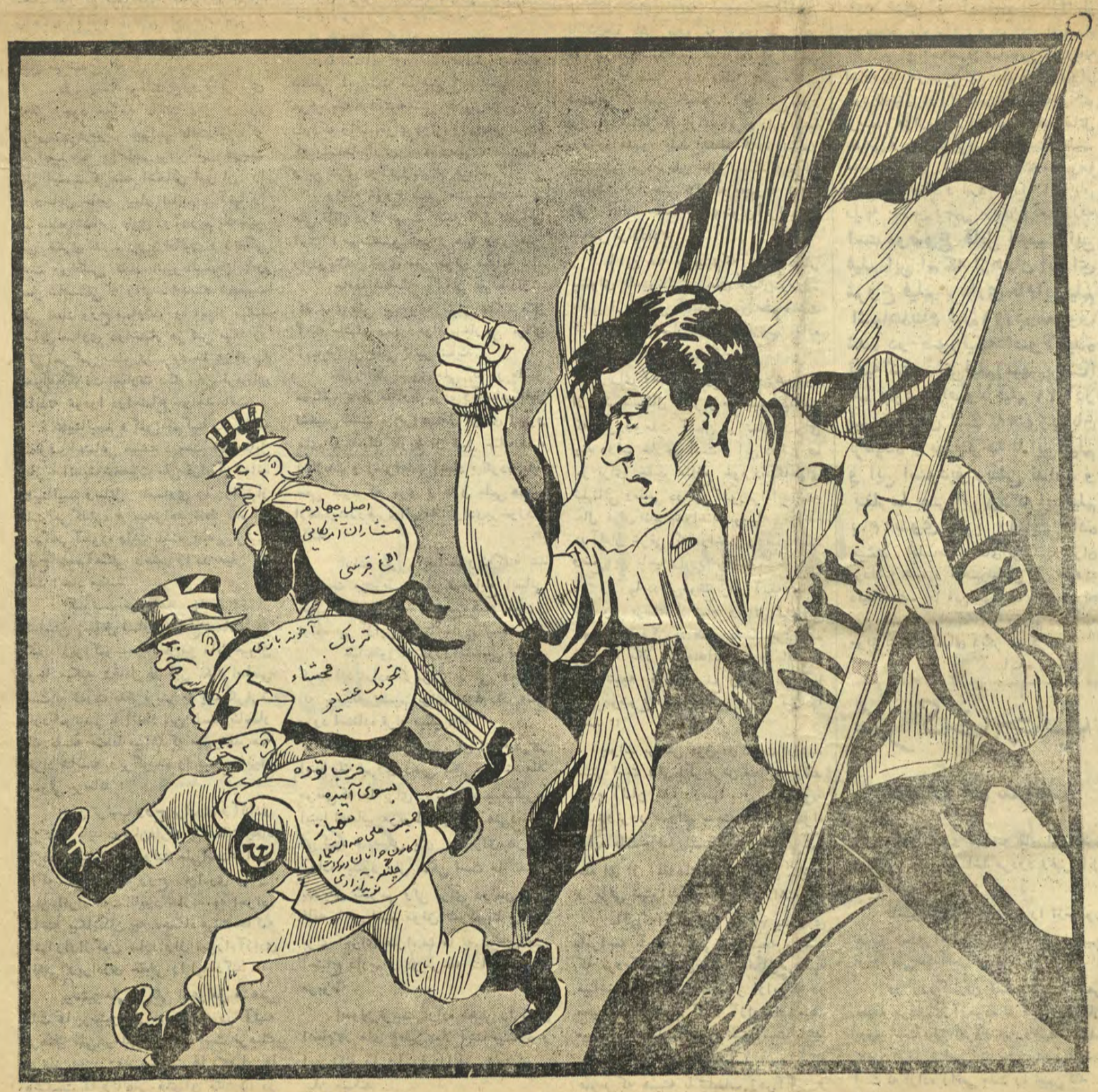

سربازان سرمه‌ای‌پوش‌حزب ما درسال نوبامشت های آهنین استعمارگران بیگانه را بدرقه خواهندکرد

هرمزد نامه

یاگنجینه‌ای ازدانش و فرهنك

یك اثرنو، ازاستاد بزرك پورداود

کمتر کسی است که باکتاب سروکار داشته باشد واستاد ابراهیم پور داود را نشناسد، پرفسور پورداود که‌مایه افتخار وسربلندی ایران است اکنون که‌شصتمین سال عمر خود را میگذارندسینه‌او گنجینه گرانبهای فرهنك وتمدن ایران باستان است، پورداود که استادزبان پهلوی است تا کنون ۱۲ اثر نفیس وجاویدانی‌از خود بیادگار گذاشته است. پرفسور پورداود نخستین‌دیوان خود را بنام (پوزاندخت) دختر خود نام نهاد و اکنون پس‌از ۲۵ سال یکی از آثار نفیس وپرارزش خود را بنا (هرمزد نامه) منتشر کرد (هرمزد) نام نوه استادگرامی است.

تمام ۱۲ جلد کتابی که پور داود نوشته یکی از دیگری بهتر وعالیتراست ولی او بانوشتن (هرمزدنامه) بزرك ترین‌خدمت‌را بزبان‌فارسی نموده‌است هرمزد نامه شامل یك پیش گفتار وبیست و شش گفتار در دوبخش‌است دربخش نخست او هفده گفتار از گیاهان ورستینهائی که

بقیه‌در صفحه ۳

از سرور رضا سفیدشتی — درجهان سینما

«بوی بحرین»

یا

میهن پرست

حسین خان (نقشینه) پسر یکی از خانواده‌های میهن‌پرستی است که بهیچوجه حاضر نیستند تجاوزات بیگانگان‌را بمیهن خود تحمل کنند. او بنا بوصیت پدرش وارد ارتش میشودوپس‌از یك‌عمر فداکاری وازخود گذشتگی و شرکت درجنگهای میهنی‌طبق مقررات ارتش بازنشسته‌میشود چند سال‌بعدکشورما موردتجاوزدوستانه!!

همسایگان قرار میگیرد و افراد ارتش بجبهه ها اعزام‌میگردند ضمنا ستادارتش طی اعلامیه‌ای جوانان مشمول را بخدمت زیر پرچم احضار میکند. سرگردقهرمان (سروان محمد درم‌بخش) پسر سرهنك حسین خان بازنشسته پس‌از وداع با پدر وخانواده‌اش بجبهه روان میگردد واسی

بقیه درصفحه ۲

نوروز باستانی بهمه میهن پرستان فرخنده باد

MANCHESTER 1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

شخصیت و پرستیژ ملی

بقیه از صفحه ۱

۱- وحدت ۲- آزادی ۳- امتیاز ٤- پرستیژ و افتخار

وحدت- عبارت از یك حالت مادی و ذهنی است که وفاق وهم آهنگی حرکات و حالات را ایجاد میکند و اصولا هر موجود زنده قطع نظر از شخصیت خود دارای وحدت می باشد.

در مورد ملت ها کوشش و تقلا برای ایجاد وحدت ارضی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی را بنام وحدت ملی میخوانند

۲- آزادی - عبارت است از حالت خاصی که موجود زنده طالب آنست تا خود را از قید قوای سلب کننده آن رها نماید مانند پلنگی که در قفس گرفتار است ومی کوشد خودرا نجات دهد.

آزادی ملی نیز کوشش و تقلائی است برای مصون ماندن از نفوذ بیگانگان و از تحمیل قوای اقلیت های غیرملی.

۳- امتیاز - دوعنصر وحدت و آزادی در مورد هر موجود زنده ای صدق میکند ولی امتیاز وافتخار دوعنصری هستند که در مورد انسان و جوامع انسانی صادق میباشند.

امتیاز عبارت از حالت خاصی است که هرموجود زنده باشخصیت با استفاده از آن خودرا مشخص نموده و برای خود قدرومنزلتی ایجاد می کند.

امتیاز ملی عبارت است از یك گذشته پرافتخار طولانی و نشان دادن آن ازراه فرهنك بوسیله زبان ملی.

٤- پرستیژ و افتخار - پرستیژ و افتخار مخصوص انسان و جامعه های انسانی بوده نسبت بقدرت خلاقه آنها صورت آن فرق میکند

سعی بر ایجاد افتخارات بیشتر و عظمت عالیتر کوششی است که بنام پرستیژ ملی بکار میرود و درراه نیرومندی ملتها و پیشرفت فرهنك ها عامل مؤثر و اصلی بشمار میرود.

وحدت ومساوات اجتماعی - نظر باینکه شخصیت ملی طالب وحدت و هم آهنگی است لذا به اصل معروف انقلاب کبیر فرانسه معتقد است (برادری، برابری، آزادی) ولی این سه اصل را براساس و مفهوم صحیح شخصیت ملی تعیین میکنند.

در «اجتماع ملت» روح برابری کاملا وجود خواهد داشت ولی « خود برابری» وجود نخواهد یافت چه اگر بخواهیم همه را باهم برابر کنیم درست مثل اینست که همه اشخاص قهرمان را با وسایل خاص بیمار نمائیم و آنها را هم سطح اشخاص عادی درآوریم یك چنین طرز فکری کشنده روح فعالیت و زندگی است ، برعکس فلسفه ناسیونالیسم براساس اصل شایستگی که زائیده اندیشه شخصیت ملی است روح مساوات را ایجاد میکند وسایل مساوی دراختیار هرکس میگذارد ولی هرکس جلو تر برود جلوی او را نخواهد گرفت بعبارت دیگر هر فردجای شایسته خودرا دراجتماع خواهد یافت.

کاپیتالیسم وکمونیسم که دو پدیده منحرف اجتماعی هستند درست نقطه مقابل نظریه اندیشه شخصیت ملی قرار گرفته اند کاپیتالیسم وسائل نامساوی را دراختیار ملت می گذارد و میخواهد فقط عده ای زندگانی آسوده داشته باشند و بدین ترتیب روح ناهم آهنگی وستیز را در میان یك ملت ایجاد میکند.

کمونیسم میخواهد با در اختیار گذاشتن وسائل مساوی نتایج مساوی هم بگیرد زیرا کمونیسم بانسان نیز مانند حیوان توجه میکند وغافل از این نکته اساسی است که قدرت مغزه بشر با یکدیگر فرق دارد کمونیسم با اتحاد این فلسفه بناچار یك فلسفه منحط میباشد که میخواهد همه افراد شایسته وبرگزیده را بسطح افراد معمولی برساند !

بدین ترتیب روح برادری و آزادی نیز کاملا باید درمیان افراد یك ملت ایجاد گردد واین وظیفه دولت ملی است عواملی راکه سعی میکنند روح برادری را د میان افراد ملت نابود سازند چه احزاب ساخته بیگانگان چه دستگاه هیئت حاکمه آنها راواژگون سازد واز این راه آزادی واقعی وبرادری حقیقی را ایجاد کند.

پرستیژ ملی - یکی ازعوامل مشخص ملت ها پرستیژ ملی است که در آئینه فرهنك ملی هرملتی منعکس است فرهنك هرملتی جزر ومد پیشرفت ها ، کامیابی ها وشکست ها و ناکامی های آن ملت را در اقیانوس تاریخ نشان میدهد فرهنك ملی بخوبی نشان می دهد که چگونه یك ملت در راه حفظ پرستیژ خود آداب و رسوم گذشته را سینه بسینه حفظ میکند و آن را برای آیندگان نگهمیدارد.

آداب عبارت از رفتار و کردار نیاکان ماکه حسن اثرداشته و پابدارمانده است آداب میراث گرانبهای تاریخی گذشته است که به فلسفه «اصالت سودمندی» تکیه نمیزند چنانچه هر پدر فرزند خود را قطع نظر ازاین که زشت یا زیباباشد چون ثمره وجود اوست دوست میدارد هر ملتی ، نیز به آداب و رسوم گذشته احترام میگذارد و از این روزبان های متروك خود را فرا میگیرد و با مطالعه تاریخ و ساختن مجسمه بزرگان ملی خود و حفظ ضرب المثل ها رابطه خودرا با گذشته حفظ میکند.

ازآنجائی که پرستیژ ملی به فلسفه قدرت استوار است لذا بموضوع « ثروت » نیز کاملا توجه میکند چه همانطور که یك موجود زنده متفکر (انسان) نیاز به ثروت دارد تا در راه سلامتی فکر و جسم خود ازآن استفاده کرده موقعیت شایسته خود را در جامعه بدست آورد ملت نیز برای ایجاد پرستیژ خود به ثروت نیاز کامل دارد و ناچار است مقداری از هم خودرا مصروف طرح های قتصادی و مالی نماید.

ولی باید دانست که برای ملتهای خلاق بیش از هرچیز افتخار ملی و پرستیژ مورد توجه است پرستیژ یعنی ایجاد یك فرهنك عالی ویك نظم زنده اخلاقی و حرکت بسوی برتری.

از این رو در برنامه دولتهای ناسیونالیست برنامه های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کاملا مورد توجه قرار میگیرند ولی جلوه گاه این برنامه ها « افتخار و سازندگی » است.

اکنون که از تشریح شخصیت ملی فارغ شدیم ذکر این نکته لازم است که بگوئیم ملت یك مقوله تاریخی وده و معرف شناسائی ملت فرهنك آنست و برای آگاهی به حدود سرزمین ملی باید تاریخ ملی را مورد مطالعه قرارداد

خوی واراده ملی

با استفاده از روش تحلیلی وجامعه شناسی باین نکته میرسیم (همانطور که هرفردیك کاراکترومنش باخوی مخصوصی دارد که زائیده قوای ارثی واجتماعی است) که ملت ها دارای خوی وسیرت ملی بوده واین خوی درآنها پایدار میماند.

رانکه مورخ شهیر مینویسد « خوی ملی قابل درك نیست بلکه قابل احساس است » مونتکسیو آب و هوا وسرزمین را در تشکیل خوی ملی موثر میداند.

جامعه شناسان آلمانی عقیده دارند که خوی ملی بهیچوجه تغییر نمیکند مگر آنکه ملتهای دیگر وعوامل خارجی براثر آمیزش بر ملتی تاثیر نمایند.

بطور کلی خوی ملی که در ملل مختلف کاملا متفاوت بوده وبآسانی قابل تشخیص است براثر عوامل نژادی و نیرو های دینامیك تاریخ از قبیل جنك ها ، انقلابات و اختراعات ایجاد میگردد باید سعی کرد که خوی واخلاق ملی همیشه ازهدایت ورهبری الهامات نژادی برخوردار باشد.

اراده ملی - همانطور که گفته شد شخصیت مربوط بانسان وجوامع انسانی است بنابراین باید دانست که خوی و اراده نیز ازاین حالت خارج نیست.

همانطور که درروانشناسی تعریف کرده اند اراده ازنیروی ذ نی ومعنوی که بوسیله تصمیم برای انجام دادن عملی مورد استفاده قرار میگیرد.

بنا براین می بینیم برای انجام هرکار ابتدا یك نیروی ذهنی بکار می افتد مثلا موقعی که ما برای دویدن تصمیم میگیریم ابتدا اعصاب مربوط ازمرکز ذهنی دستور می گیرد و سپس پای ما برای حرکت آماده میشود حال ممکن است ما تصمیم بدویدن بگیریم ولی برای دویدن چون فاقد پا می باشیم موفق نشویم بنا بر این برای اجرای عمل ابتدا ما به نیروی ذهنی احتیاج داریم و در مرحله ثانی بوسیله مربوطه.

اصولا تربیت اراده شخص را برای انجام کار های خطیر کاملا آشنا میسازد و این نکته را فیلسوف آلمانی نیچه بخوبی بیان میکند.

با مراجعه باحوال مرتاض های هندی می بینیم که راه تربیت اراده چگونه آهن تفته را بدست میگیرند و یا اعمالی را انجام میدهند که برای اشخاص عادی جنبه اعجاز دارد.

همانطور که گفته شد برای اجرای اراده به قدرت نیاز داریم برای اجرای اراده ملی نیز فرد سالم و نیرومند مورد لزوم است بنا براین باید در راه فعال و با روح نمودن وتقویت ونیرومندی افراد کوشید و فرد را به فلسفه زندگی آشنا ساخت وباو آموخت که زندگی عرصه تنازع ومبارزه است و فرد بصورت یك حیوان ، که ازبافندگیهای مارکسیستها میباشد نبوده بلکه موجودی است آرمان خواه که به سلسله زنجیر نسل ملت خود ارتباط دارد وفرد تنها از راه فداکاری میتواند موجودیت وارزش واقعی خودرا نشان دهد

بهر حال دستگاه تعلیم وتربیت باید این سه اصل را که ازمکتب فکری فاشیسم استخراج گردیده ، « انقلاب در فکر در اخلاق درعمل » برای نیرومندی افراد وبالنتیجه بمنزله وسیله اجرای اراده ملی مورد استفاده قرار دهد.

اراده قوی بستگی کامل به ایمان دارد و هرقدر نیروی اراده قوی تر گردد بهمان اندازه نیروی ایمان نیز تقویت میشود.

امروزدر اروپا از راه تحمیل اراده وتلقین اغلب مرضی را معالجه میکنند.

همانطور که یك فرزند دارای اراده است ملت نیز که یك ارگانیسم تاریخی است صاحب اراده میباشد.

چنانچه درنهضت ملی شدن نفت اراده ملی باتمام نیروهای استعماری مبارزه کرد و هم اکنون نیز این مبارزه در جریان است

اکنون باید دید که اراده ملی را چگونه باید شناخت ؟

براساس نظریه غلط انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب ۱۸٤۸ که مفهوم ناسیون را با مفهوم پوپل (توده) یکسان استعمال کردند امروز نظریه لیبرالیسم و دمکراتیسم بر این است که برای تشخیص میزان اراده ملی باید از «مراجعه بآراء عمومی» استفاده کرد.

این نظریه غلط همانطور که گفتیم از اینجا ناشی شده که اولادر نظر این عده اراده جامعه مجموعه اراده افراد است در حالیکه چنین نیست وطبق نظر مکتب اجتماعی ناسیونالیسم. اجتماع خود اراده ای مستقل از اراده افراد دارد تانیا درمورد مفهوم ملت اشتباه کرده اند چه ملت تنها مردم زمان حال نیستند که بفرض قبول شق اول یعنی «اینکه مجموعه اراده افراد اراده جامعه است» بتوان آنرا میزان سنجش قرارداد.

با این همه می بینیم که آدولف هیتلر پیشوای ناسیونالیست های آلمان درمورد بعضی از اراضی آلمان چون حتم داشت که تبلیغات دشمنان آنها را فریب نداده به «رفراندم متوسل» شد.

برای آنکه موضوع کاملا روشن شود از ذکر چند مثال ناگزیر میباشیم، میدانیم که امروزه ملت آلمان دراشغال قوای چند دولت خارجی است و این دولت ها نیز برای جلب منافع خود دستگاههای تبلیغاتی وسیعی در این کشور براه انداختند حال فرض کنیم بخواهند بوسیله رفراندم درآلمان شرقی که دراشغال روسیه است وضع این ناحیه را روشن کنند.

روسها دراین موقع برای آنکه بتوانند بمقصود برسند از تمام وسائل تبلیغاتی خود استفاده کرده درضمن دستگاه تروریسم خود را بکار خواهند انداخت و بالنتیجه اگر نتیجه رفراندم به نفع روسها باشد آیا این موضوع میتواند مبین اراده آلمانها باشد ؟!

جواب پرسش فوق درکلمات اداشده مستتر است ولی اگر بفرض محال صدی صد مردم آلمان بنفع روسها بدون هیچگونه تبلیغ وترور هم رای بدهند این رای بمنزله اراده ملت آلمان نیست چه مردم کنونی خود حلقه ای از حلقه های تاریخ آلمان میباشند و جزئی نمیتواند کلی را دربر داشته باشد

یا آن که اگردرسال ۱۳۲٤ پیشه وری بامراجعه بآراء عمومی باین نتیجه میرسید که مردم آذربایجان طالب الحاق بروسیه میباشند این رأی قطع نظر ازاین که در محیط آزاد یا غیرآزاد آزاد داده میشد مبین اراده ملت ایران نمیتوانست باشد.

از نظر ناسیونالیسم مراجعه بآراء عمومی که همیشه با تبلیغات زهرآگین و ترور توام بوده و ساخته های لیبرالیسم و دمکراتیسم میباشد مردود وغیر قابل دفاع است.

ناسیونالیسم اراده ملی را ازسطور تاریخ استخراج میکند و تاریخ را مبین اراده ملی میداند.

در روزگاران قدیم این تشخیص بعهده مردان کارآزموده از قبیل پادشاهان بوده است ولی امروز این وظیفه بعهده کانون آرمان شناسی یك حزب ناسیونالیست است که اراده واقعی ملت را تعیین کند.

بسوی بحرین

بقیه ازصفحه ۱

کیومرث (تابش) داماد جوان سرهنك که نامش جزو مشمولین بخدمت اعلام گردیده دراثر وسوسه شیطان (اعظمی) از معرفی خود خودداری وهرشب درکافه های شهر بخوش گذرانی وقت میگذراند د این ضمن سرگرد قهرمان درجبهه شربت شهادت نوشیده ومقارن همان زمان سرهنك حسین خان بدون اطلاع ازحال پسرش از دامادش میخواهد تا او نیز با عزیمت بجبهه دوش بدوش پسرش وظیفه خودرا نسبت بمیهن انجام دهد و چون از جانب او مایوس میگردد مصمم میشود که خود بجای دامادش بجبهه رود منیژه (مهرانگیز وحدت) دختر سرهنك که میبیند نامزدش از معرفی بارتش خودداری نموده و پدرش عازم جبهه است انگشتر نامزدی کیومرث را بطرف اوپرتاب کرده واز پدرش تقاضا میکند که او نیز درجبهه باسرهنك همراه باشد منیژه وسرهنك بجبهه روان میشوند ولی چندی بعد باتفاق پدرش باتهام جاسوسی دستگیر میشوند و بعدا که اولیاء ارتش متوجه میشوند که سرگرد قهرمان شهید پسر سرهنك نامبرده است آندورا آزادو مجددا بجبهه میروند.

کیومرث هم که موفقیت کشور را خطرناك میبیند پس از مجادله باشیطان موفق میشود خود را از وسوسه های او رها و با معرفی خود بارتش در زمره بهترین سربازان فداکار میهن قرارگرفته ودین خود را بمیهن ادامه نماید پس از چندی جنك پایان یافته و پیروزی نصیب کشورما میشود وسرهنك ودختر ونامزدش از جبهه مراجعت و مورد تشویق اولیای ارتش قرار میگیرند وبدریافت عالیترین نشان افتخار نایل میگردند.

• • •

چندی قبل آقای سروان محمد درم بخش افسر میهن پرست ا تش که از کودکی علاقه مفرطی بارتش وهمچنین سینما داد بفکر تهیه فیلمی که از هرجهت با فیلم های مشابه آن تفاوت کلی داشته باشد افتاد وچندی بعد موفق شد استودیو شهریار را که بنام فرزند کوچکش شهریار نام نهاده است تاسیس و اولین فیلم خود را که شرح آن گذشت از اوائل اردیبهشت ماه شروع و درکمتر از ۹ ماه آنرا بپایان رساند و همانطوریکه دربالا اشاره شد موضوع این فیلم فداکاری واز خودگذشتگی در راه میهن است که باشرکت قریب ده هزارسرباز و مجهز بکلیه وسائل نظامی و هواپیما وچترباز ابهت وعظمت مخصوصی باین فیلم داده است ومخصوصا صحنه های جنك و نبرد دلیرانه ایرانیان را به بهترین وجهی بروی پرده آورده

است موضوع قابل اهمیت این فیلم این است که ازهمان ابتدای شروع فیلم برداری نام این فیلم اشباها بنام فیلم ۲۱ آذر معروف شده در صورتیکه اصولا ایده تهیه کننده این فیلم (میهن پرست) هم نبوده واصولا فیلم ۲۱ آذر فیلم دیگری است که هنوز پایان نرسیده و بهیچوجه با این فیلم و این استودیو ربطی ندارد و بنظر ما بهتر این بود که این فیلم بنام (بسوی بحرین) نمایش داده میشد. اغلب صحنه های این فیلم در تهران برداشته شده و مدت نمایش آن صدوده دقیقه است. ما این موفقیت را بسروان درم بخش تبریك گفته امیدواریم در آتیه موفق بتهیه فیلمهای دیگر نیز گردند.

پاینده ایران

شرکت چاپ
مسعود سعد

ازسرور پرویز دوائی
بتو ای هموطن من ....

بتو ای هموطن من ... دست سرد خویش بمن سپار ... چشم خواب آلود بگشای ... برخیز هموطن ... مگر ندای قلب من بگوش تو آشنا نیست ؟ ... مگر زبان روح مرا درك نمیکنی ؟ برخیز هموطن ... برخیز تا گام درراه زندگی نهیم ... تا سپیده دم چیزی باقی نمانده است ... بر مخمل سیاه آسمان ستاره صبح میدرخشد... فروغ آنرا بنگر که هردم رو بزوال است ... دست سرد خویش بمن ده تا بسوی شرق آرزو بشتابیم .. آنجا که آنقدر بخدا نزدیکیم که صدای پرفرشتگان را میشنویم آنجا که افق دیرین ودشت سرسبز... زمین وآسمان دریك خط بهم میپیوندند ... آنجا برخیز

بتو ای هموطن من ... بتو میگویم ... مگر این نقش آرزوی پاك من نیست که درقلب خویش با جوهر جان حفظ کرده ای ؟ ... پس برخیز هموطن ... برخیز تا راه سنگلاخ زندگی راطی کنیم... چشمان خواب آلود را درست بازکن این نسیم سحراست که میوزد... این اولین پرتو سپیده دم است که برصفحه شفاف آب برکه ، زرو سیم بهم آمیخته است ... برخیز ... تکیه بمن ده تا ترا برفراز آن تپه رسانم ... حق داری راه بیش ازآنچه درنظر آید مشکل است... اما هموطن من ... مگر فراموش کرده ای ؟ . تامن و تو .ایرانی داریم ایرانی ... می فهمی ... این خون پاك داریوش است که در رگهای ما می دود ... ما ایرانی هستیم ایرانی ... حس نمیکنی قلب ازشنیدن نام وطن شدیدتر می طپد . احساس نمیکنی با یادافتخارات وطن بدنت گرم ودچار هیجان شدید میشوی ؟ بخدا من نیز روحی ازعشق وطن سرشار دارم ... پس هموطن من ... اندکی دیگر کوشش کن ... یك لحظه بعد آنجا خواهیم بود ... آنجا ... آنجا که ازپشت قله سبز پوش خورشید آرزوی ما بالا خواهد آمد ... آنجا که غنچه گلهای زندگی خواهد شکفت ... هموطن ... این راه مجد وعظمت وطن است که می پیمائی ... پایت خونین وآزرده شده است ، می بینم ولی هموطن ... این خون گذشتگان ماست که برروی سنگهای این راه می جوشد ... خسته شده ای ؟ میل داری بنشینی و دیگر قدمی بجلو نیائی ؟ ولی ... مگر صدای پرمرغان سحر را بگوش نمی شنوی ... خورشید آرزوی ما بالا خواهد آمد ... غنچه گلهای زندگی ما خواهد شکفت .

پاینده ایران

ازشاعر شهیر : عادل نژاد خلعتبری «غوغا»
پیك بهار

در بهاران نسیم مشك آمیز — آنهوای خوش نشاط انگیز
چهچه بلبلان خوش آواز — که بگیرد نقاب از رخ راز
بوی نیکوی نرگس و سنبل — صحبت جان فزای بلبل و گل
می رباید ز دل قرار مرا — می برد صبر و اختیار مرا
پای کوه و نوای دلکش ساز — من و اندیشه های دور و دراز
هر کجا بنگری چمن بینی — لاله و یاس و نسترن بینی
بر سر شاخ مرغ خوش آوا — شور و «غوغا» نموده است بپا
محو و مجذوب دشت کهساران — میشود هر که پا نهاد در آن
یك طرف بانك آبشار بلند — یك طرف لاله می زند لبخند
یك طرف نای دلکش چوپان — می کند آتشی بپا در جان
همه مرغکان بجوش و خروش — صوت آن ها بگیرد از سرهوش
عالم شادی و صفا این جاست — شاهکار خوش خدا این جاست
خیز واز این محیط مکر و ریا — پا برون نه بیا بملك صفا
تا شوی از غم و محن آزاد — تا بدانی درست معنی داد
در محیط فساد و مکر و ریا — زندگی کردنت خطاست خطا

از سرور پرویز سلطانی
سرود انتقام

بند اول

ایرانی بکوش بهر تجدید نام — بگیر از همه دشمنان انتقام
تو سرور بدی درجهان بکزمان — نداشتند دشمنان زدست امان
کجا رفته قفقازیه جان تو — از مادر جدا شده افغان تو
تو هم فرزند نادر و کورشی — بهر آب و خاکت نما کوششی

«بند دوم»

بحرین رفته از دست تو هموطن — شده تجزیه مرز و بوم کهن
بیا خیز و رو سوی مرزت نما — زقید اسارت خاکت را رها
چو شیر ژیان به پیش تامرز خویش — با دشمن چنان کن کردند باتو پیش
تو هم فرزند نادر و کورشی — بهر آب و خاکت نما کوششی

روزهای چهارم و پنجم ، ششم فروردین

کنسرت ونمایش باشکوه

درجایگاه حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

بهاء بلیط ۲۰ ریال و ۱۰ ریال

ساعت شروع ٦ ونیم بعد از ظهر

سه جلاد قرن بیستم را بشناسید

بقیه ازصفحه ۱

میرسد که، قدرت حکومت دیکتاتوری روس بنابوصیت استالین، میان سه نفر مالنکف، بریا، مولوتوف، تقسیم شده است.

استالین که خود از خونخوار ترین دیکتاتورهای جهان بود، الحق در انتخاب جانشینانش «حسن انتخاب» بخرج داد زیرا فرد، فرد، زیردستانش در خونخواری و جلادی نه تنها دست کمی از «پیشوا» و «پدر» خودندارند بلکه درمواردی دست استالین را نیز ازپشت بسته‌اند، بویژه در دشمنی با ایران وایرانیان، سرآمد جلادان جهان بشمار میروند.

برای اینکه خوانندگان گرامی از سوابق ننگین این سه نفر بویژه درمورد ایرانیان ومسلمانان باخبر شوند، نمونه هائی ازخونخواری هر یك را در زیر بموجب اسناد و مدارك مسلم نقل می‌کنیم:

۱- مالنکف - بهیچ وجه گول قیافه وتنه خوك صفت این مرد فئودال منش را نخورید زیرا، مالنکف بر خلاف قیافه‌اش از خونخوارترین و جلاد ترین وبی‌رحمترین افراد جهان است.

مالنکف طی ۵۱ سال زندگی جنایاتی مرتکب شده است که نه تنها در تاریخ بی سابقه است، بلکه خود استالین نیز طی ۷۴ سال زندگی کثیفش تا باین اندازه جنایت وآدمکشی نکرده است.

مالنکف هنوز بیست و یکساله بود که آستین خودرا برای آدمکشی بالازد وپس ازعضویت حزب کمونیست روس در سال ۱۹۲۲ به‌سمت کمیسر سیاسی قسمتی از واحدهای آرتش سرخ منصوب وعازم آسیای میانه گردید.

مردم آسیای میانه تماما مسلمانند و از آنجائیکه اهالی این نواحی دارای روح شرقی و تمدن ایرانی هستند از روسها بشدت متنفرند. درسال ۱۹۲۲ که دولت انقلابی روس میخواست رژیم منحوس کمونیسم را در این نواحی مستقر کند، ملل ترکستان، قرقیزستان و تاجیکستان که همه مسلمان وملت اخیرهمه ایرانی هستند جدا بااستقرار رژیم منحط کمونیسم مخالفت کردند.

دولت انقلابی روس همین مالنکف نخست‌وزیر جدیدروس رامامور، سرکوبی و قلع وقمع مسلمانان و ایرانیان کرد. مالنکف باسمت کمیته سیاسی واحد های ارتش سرخ به ترکستان و آسیای میانه آمد و چنان کشت و کشتار راه انداخت که هروقت باقی مانده اهالی این نواحی اسم مالنکف را می‌شنوند بیاد چنگیز و تیمور میافتد.

در سفاکی وبی‌رحمی، خونخواری مالنکف همین بس که درعرض سه‌سال ۷ ملیون نفر از مردم بی‌پناه مسلمان آسیای مرکزی را به جرم طرفداری از نهضت های «پان‌اسلامیزم» و «پان‌ایرانیسم» و «پان‌ترکیسم» قتل وعام کرد ودرجلادی بقدری شدت عمل نشان داد که حتی بزن و بچه مردم این نواحی نیز رحم نکرد و برای‌خوش رقصی بیشتر دستورداد، مساجد ایرانیان را تبدیل به طویله‌افراد ارتش سرخ نمایند و هر نوع اماکن مقدسه مسلمانان را یا به تآتر وسینما تبدیل کرده ویا با خاك یکسان کنند.

مردم مسلمان و ایرانی نژاد تاجیك از مالنکف جنایاتی بیاد دارند که لرزه بر اندام هرشخص منصفی میاندازد، زیرا این مرد سفاك و بیرحم وجلاد، درسال ۱۹۲۴ برای قبولاندن مرام منحوس کمونیسم به مردم ایرانی نژاد تاجیك، به سرنیزه سربازان ارتش متوسل شدوفقط پس از آنکه ۸۰۰ هزار نفرازایرانیان را قتل‌عام کرد توانست، رژیم کمونیستی را بر مردم تاجیك تحمیل نماید واز همین روست که وی را شاگرد باوفای استالین می نامند، زیرا در قتل‌عام و کشت و کشتار وخونریزی وسفاکی و جلادی و قصابی همردیف پیشوا و معلم کبیر خود استالین است.

۲ - مارشال بریا - درباره بریا رئیس پلیس خفیه روس کافی است بدانید اسم وی بااسم جن درروسیه قرابت دارد واگر کسی اسم بریا را درروسیه بشنود، مانند کسی که ازاسم جن وحشت کند، به وحشت و اضطراب میافتد و بی اختیار لرزه براندامش میافتد. بریا کلیه ترقیات خود را مرهون، آدمکشی وجنایاتی میداند که طی ۵۴ سال زندگانی خود نموده است

وی تاسال ۱۹۳۷ رئیس پلیس خفیه قفقازبود واهالی مسلمان قفقاز و بویژه ایرانیان مقیم آذربایجان از وی خاطرات بس خونین وناگواری بیاد دارند

گرچه تعداد قربانیان بریاجمعا بپای تعداد قربانیان مالنکف نمیرسد معهذا با سه ملیون نفری که بدست بریا اعدام شده‌اندمیتوان به‌اندازه جنایت وخونخواری این جن روسی پی برد.

بریا تا ۱۹۳۷ که رئیس پلیس مخفی قفقاز بود جنایاتی مرتکب شد که موجب رعب و وحشت دردل همه مردم روسیه حتی لیدران کمونیست آنکشور گردید زیرا وی توانست باابتکار شخصی، طی ۱۳ سال (از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۷) سه ملیون از مردم مسلمان قفقاز راکه میان آنها ۴۰۰ هزار نفراز ایرانیان نیز دیده میشدند، به اتهامات، ضدانقلابی و تروتسکی و غیره درسیاه چالها وبازداشتگاهها بدیار عدم بفرستد.

و بپاس همین خدمت بود که استالین هم‌شهری خود را به مسکو احضار کرد ودر سال ۱۹۳۷ وی را بریاست کل پلیس خفیه روس منصوب نمود.

بریادر این پست نیز نبوغ جنایتکارانه خود را نشان داد و در محاکمات معروف ۱۹۳۷ چنان دردستگیری واعدام مخالفین استالین حرارت بخرج داد که مورد توجه استالین قرارگرفت و بکرملین راه یافت.

بریا در جلادی و سفاکی دست کمی از مالنکف ندارد وحتی بقولی از او هم جانی‌ترو پست‌تراست و در این مورد میگویند؛ در سال ۱۹۴۳ که آلمانها تا مرزگرجستان پیش روی کرده و به نفت «گروزنی» رسیده بودند، افسران ارشد گرجستان مخفیانه با آلمانها تماس گرفته و قرار میگذارند وقتی نیروی آلمان به شهر «اوجونوکیدزه» رسید، لشگر گرجستان نیز در داخله شورش کرده و حکومت کمونیستی را واژگون نماید.

معلوم نیست بچه وسیله این مطلب بگوش استالین میرسد و بریا مامور تحقیق میگردد وبا هواپیما خود را به تفلیس پایتخت گرجستان میرساند وپس از ۲۴ ساعت ماموریت خود را باموفقیت بانجام رسانده وبه‌مسکو مراجعت میکند. میدانید بریا چگونه این ماموریت را با موفقیت بپایان میرساند!

اگر نمیدانید گوش کنید، بریاپس از ورود به تفلیس بلافاصله دستورمیدهد کلیه افراد لشگر گرجستان را از سرباز گرفته تامارشال که فرمانده لشگر بوده؛ جلوی چشمش، واحد به واحد تیرباران نمایند. اگر هرلشگر روس رادست کم ۱۴ هزار نفر ذخیره کنیم یك نمونه از قصابی و جنایت بریا اعدام ۱۴ هزار نفردر ۲۴ ساعت است که شاید در تاریخ جنایتها بی سابقه باشد روز بعد پادگان ارتش سرخ مقیم آذربایجان به گرجستان منتقل میشود و برای اینکه حوادثی روی ندهد کلیه اختیارات انتظامی به‌پلیس محول میشود

۳ - مولوتف - گرچه سوابق ننگین مولوتوف به‌پایه دوهمکاردیگرش نمیرسد ومستقیما در جنایات و آدمکشی ها دست داشته معذالك در صحنه سیاست بین‌المللی؛ بویژه‌نسبت بایران وایرانیان جنایاتی مرتکب شده است که درخور عفو وگذشت نیست.

مولوتوف همان کسی است که درسال ۱۹۳۹ وزیر خارجه امپراطوری سرخ بود ودرهمان سال بود که به برلن رفت و دست دوستی بطرف هیتلر دراز کرد و باوی قراردادی منعقد نمود.

بموجب این قرارداد مولوتوف تعهد کرد که برای کمك به آلمان درمورد حمله به‌لهستان ز جانب روسیه آرتش سرخ نیز به‌لهستان حمله کند ونیمی ازاین کشور بدبخت را این ونیمی دیگر راآن اشغال نمایند.

لابد خواهید پرسید، آن تقسیم — لهستان اگر هم یك جنایت محسوب شود بماایرانیان چه‌ربطی دارد؟!

بلی درست است، تقسیم لهستان از نظر ملیت بما ربطی ندارد ولی اینراهم بدانید که درهمان قرارداد مواددیگری هم نسبت بایران وجود دارد که مولوتوف وزیرامورخارجه کشور باصطلاح سوسیالیستی وآزادیخواه! روسی امضاکرده است.

بموجب یکی ازمواد این قرارداد که درتاریخ ۱۹ آذر ۱۳۱۹ بامضای — هیتلر ومولوتوف رسید مولوتوف تقاضا کرده است ایران از گیلان، آذربایجان وخراسان گرفته تابندر معشور وخرمشهر و آبادان و اهواز تصرف نماید.

گرچه‌در اوایل هیتلر بااشغال ایران توسط آرتش روس مخالفت کرد مولوتوف با تعهدچندموردرا و پابالاخره توانست موافقت آلمان را درمورد اشغال ایران جلب نماید و این موضوع صریحاً درقرارداد ۱۳۱۹ که اخیراً از آرشیو وزارت امورخارجه آلمان بدست متفقین افتاده است.

گرچه این خواب خوش باهمکاری چرچیل برای دولت روس در مورد اشغال ایران بالاخره به حقیقت پیوست وارتش تجاوز کار سرخ ایران را اشغال کردند ولی نه تنها این اشغال از ۴ سال بیشتر بپائید بلکه ملت ایران بالاخره توانست بهر ترتیبی است، آرتش متجاوز سرخ ومزدوران او را ازایران و آذربایجان بیرون راند وداغ موافقتنامه ۱۳۱۹ مولوتوف رابه‌دل استالین بگذارد.

اینها فقط یك یا چند نمونه ازدشمنی سه نفر جلادان فعلی دولت روس نسبت بایران و ایرانیان است و اگر بخواهیم جزئیات دشمنی وسوابق ننگین این سه نفر قصاب وجلاد قرن بیستم را تشریح کنم، بانداز وزن مالنکف خوك ۱۲۰ کیلوئی روس کاغذ لازم خواهد بود.

هرمزد نامه

بقیه ازصفحه ۱

اکنون درایران رواج دارد ودربخش دوم در نه گفتار، درباره چند واژه نادرست که دراین چند سال برسرزبانها افتاده سخن بمیان آمده. دربخش نخست درباره گیاهانی چون اسپست، نیشکر، برنج، ترنج، نبك، کوکنار، لاله با تاریخچه هر یك ازآنها گفتار های محققانه ومستدلی با تاریخچه وسرگذشتهای خواندنی وعجیب آنهاسخن گفته شده، مهیجترین قسمت این کتاب بخش دوم آنست که دراین بخش استاد پورداود در باره کلماتی چون ارتشتار: پرچم، افسر، تیسار، ملوان خلبان، وامثال آن داغ دل خودرا تازه کرده است، استاد سخن در باره کلمات مزبور در پیشگفتار کتاب چنین مینویسد برخلاف آنچه‌درباره‌فارسی گفتیم بیچارگی وپستی ودرماندگی این زبان را میرساند باید دانست که این یك گونه ناخوشی است که از مغزهای چندتن ناخوش در این شانزده وهفده‌سال گذشته بزبان فارسی رسیده است، ریشه نیرومند درخت تناور فارسی از این چندکرم سست وناتوان از پای نخواهد درآمد

چیزی که هست باید کسانی که بزبان بومی و مادری خود علاقه میورزند و کم و بیش سررشته ای از این زبان‌دور دست دارند، بگویند و بنویسند تاهمه بدانندکه این لغتها چه بوده و از کجا برخاسته وچیست شك نیست پس‌از اینکه همه دانستند این مهملات ساخته چندتن نابکار و فریبکار است دیگر آنها را بزبان نخواهند راند وبقلم نخواهندآورد تااینکه از میان برود.»

استاد پورداود دراین کتاب بادلایل و مدارك ثابت کرده که بعضی از لغت تراشان فرهنگستان ایران بقدرسرسوزنی سواد و شعور ندارند، پورداود باین دسته از مردم بیرحمانه حمله نموده مینویسد (چه خوب است خودسران لشکر، زبر - دستان خودرا بازدارندکه دیگر بچنین ناسزاهائی زبان را نیالایند و از برای بزرگان خود دشنام نه پسندند وروزنامه هانیزکه گویند زبان مردم این کشورانند، فقط زبان مشتی یاوه گوی نباشندواز تکرار کردن هذیان اینان خودداری کنند. همچنین کسانی که خود را فارسیدان می‌پندارند بجای نکوهیدن لغتهای درست فارسی چون واژه و ویژه و سده، بلغتهای نادرستی که برزبانها افتاده بپردازند و اگر سازندگان آنها را بشناسند، بدیگران بشناسانند تاهمه‌ازین تهیدستان وتهی‌مغزان آگاه شوند».

آگهی های حزبی

نمایندگانیکه بصندوق روزنامه یابخش‌دارائی بدهی دارند باید تاپانزدهم فروردین حساب خودرا واریز کنند وگرنه هیچگونه کتاب و روزنامه حزبی برای آنها فرستاده نمیگردد.

دفتر بخش‌دارائی

در نخستین هفته سال نونیروهای حزب نشست‌نخواهند داشت ونشست آنها از روز هشتم فروردین در روزو ساعت سال پیش برقرار میگردد.

دفتر بخش تشکیلات

برنامه سخنرانیهای همگانی حزب از روزهشتم فروردین آغاز وهمه هفته روز های شنبه از ساعت ۱۸ر۵ برگزار میگردد.

دفتر بخش تبلیغات

چون دوره جدیدکلاس تبلیغات درنیمه دوم فروردین ماه آغاز میشود نام نویسی درخواست کنندگان‌ازر زهشتم فروردین تاپانزدهم فروردین‌در دفتر تبلیغات انجام میشود.

دفتر بخش تبلیغات

به بهترین روزنامه های دیواری حزب که در ماه فروردین نوشته شود یك‌گلدان نقره از سوی دبیر حزب جایزه داده خواهد شد.

دفتربخش تبلیغات

روز جمعه هفتم فروردین نخستین‌گردش دسته جمعی‌حزب در سال نوانجام خواهد شددوستان برای نام‌نویسی و پرداخت کرایه بسرور پرویز خوانساری مراجعه کنند.

دفتر سازمان مرکزی

پنج میلیون ریال جایزه سال ۱۳۳۱ صندوق پس انداز ملی

در قرعه کشی سال ۱۳۳۰ صندوق پس انداز ملی جایزه ممتاز ۴۰۰ر۰۰۰ ریالی نصیب آقای فریدون چاریاشی دارنده‌حساب پس‌انداز شماره ۴۶۶۴ شعبه رضائیه و جایزه بزرگ ۲۵۰ر۰۰۰ ریالی نصیب بانو صفری اسرار دارنده حساب پس‌انداز شماره ۱۹۰۲۴ شعبه شیراز گردید.

چنانچه شماهم میل دارید در قرعه کشی سال ۱۳۳۱ شرکت و از ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال جایزه که به جوائز ۳۰۰،۰۰۰ ریالی و ۲۵۰،۰۰۰ ریالی و ۱۵۰،۰۰۰ ریالی و ۱۰۰،۰۰۰ ریالی و ۵۰،۰۰۰ ریالی و ۱۰،۰۰۰ ریالی و ۱،۰۰۰ ریالی و ۱۰۰ ریالی تقسیم گردید است بهره‌مند شوید قبل از پایان‌سال‌جاری برای باز نمودن حساب پس انداز جهت خود وفرزندانتان‌در تهران باداره مرکزی‌صندوق پس انداز ملی یا باجه های‌شهری ودر شهرستانها به شعبه‌ها یا نمایندگیها یا باجه های بانك ملی ایران مراجعه فرمائید. ۵—۵

آپادانا

ارگان‌حزب ملت‌ایران

بربنیاد پان ایرانیسم

دارنده امتیاز:

امیرسلیمان عظیما

زیرنظرهیئت تحریریه

جای اداره میدان بهارستان

اول‌خیابان صفی علیشاه

خواندن هر فرد فاسد برای عموم ایرانیان و بخصوص کسانیکه بافرهنگ و ادبیات و حتی خواندن و نوشتن زبان فارسی سروکار دارند لازم وواجب‌است این کتاب گوهر شب‌چراغی است که هر ایرانی باید آنرا داشته باشد تا بحقیقت زبان فارسی وکلماتی که باتصویب نامه‌و فرمان وضع شده بشناسد و از استعمال آنها خودداری نماید

پاینده ایران

خاطرات میگون

میگون زیباست وزیباتر ازآن خاطرات میگون است ای دلهای آرزومند.
میدانید زیباترین هدیه نوروزی برای دوستان شماکدامست؟
یك جلد خاطرات میگون اثر زیبا وبدیع (هاله) که پس ازمدتها انتظار اکنون با شکوفه های بهاری منتشر میشود.

عادل نژاد خلعتبری (غوغا) رئیس‌کانون علمی وهنری بهار از ساعت ۲ بعداز ظهر روز پنجم فروردین درمنزل برای پذیرائی دوستان آماده است.

پشت‌مسجد سپهسالار

پول ایرانی را به ایرانی سپار

منسوجات خارجی بزرگترین رقم واردات را نشان میدهد

هزاران کارگر متخصص ایرانی کارخانهٔ وطن باصرف وقت وتحمل هزینهٔ بسیار توانسته‌اند منسوجاتی درداخلهٔ مملکت بسازند

که بتصدیق عموم اشخاصیکه از نمایشگاه وطن دیدن کرده اند

با پارچه های خارجی برابر است

با مصرف منسوجات کارخانه وطن کازرونی پول ایرانی را بایرانی داده اید

نمایشگاه کالای وطن کازرونی خیابان سعدی

٤

در آستان سال نو ....

بقیه از صفحه ۱

بیرون راندن بیگانگان امیدی ندارد.

بهبود زندگی مردم ، پایان دادن بغارتگری سرمایه‌داران، گسترش فرهنگ، بهداشت، از جمله کارهائی است که باید پس از شکست‌دشمن بیگانه و یك‌مبارزه پردامنه ملی انجام گیرد.

باید همه مردم‌ایران بفهمند که برای یك زندگی آزاد وسرافراز نیاز بداشتن حزبی نیرومندکه به ناسیونالیسم و تاریخ ایران سر سپرده باشد دارند. سالیکه آغاز میشود آبستن پیش‌آمدهای بسیاری برای میهن ماست باید کوشید که با یگانگی وهشیاری بیشتری همه توطئه‌های بیگانه را نقش بر آب کرد و رستاخیز ملت را روز بروز گسترش داد.

سال ۱۳۳۰ملی کردن نفت ، سال ۱۳۳۱ ملی کردن شیلات را برای ملت ایران هدیه آوردو ما باید بکوشیم تا سال ۱۳۳۲ رهائی بحرین ازچنگال‌استعمار بیگانه نام گیرد

حزب ماحزب قهرمان ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم که همه جا پیشگام رزمجویان ضد استعمار بوده همچنان آماده نبرد با دشمنان بیگانه ومزدوران ایرانی نامیباشد سربازان سرمه‌ای پوش پان ایرانیست

که همیشه جامه خودرا باخون گلگون دیده‌اند از این‌پس نیز جان بر کف گرفته‌ازپای نخواهند نشست تاایران بزرگ وآزاد فردا راپدیدآورند.

پاینده ایران

ملت ایران- بهیچ بیگانه اجازه

بقیه از صفحه ۱

بوده است دولت ضد امپریالیست و سوسیالیست روسیه!... بکمك اوشتافته و ایادی مارکدارخودرا بکمك‌این‌امپریالیست آزمند فرستاده است.

در همین مبارزه مقدسی که‌ازکوچك وبزرك، فقیروغنی، زن‌ومرد ایرانی‌برای احقاق حق خود بآن دست زدند عمال سرسپرده بیگانه‌وبخصوص‌انگلوکمونیست‌های ایرانی نما تنها کسانی بودند که دست بکاراخلالگری وتفرقه‌ایجاد کردن بودند ازنخستین روزیکه شعار ملی شدن نفت در سراسرکشور در دانشگاه توسط دلاوران‌ازجان‌گذشته پان‌ایرانیست عنوان شد آنها برای اینکه وسیله ای بدست حریف بدهندتابدانوسیله برعلیه ماتوطئه کنند مار «الفای بدون قید و شرط قرارداد دارسی» رادارندوبعدکه مانند گذشته ننگی دیگر برروی دامان آلوده خودبافی گذاردند گفتندکه «صنعت نفت‌جنوب‌باید ملی شود» . برای اجرای خواست های خائنانه خود بهرلباسی که بوددرآمدند و هرنوع خیانتی که وجود داشت مرتکب شدند ولی ملت بیداروهوشیارما نوکران بیگانه وفرزندان‌استوکس مهردارسلطنتی انگلیس و استالین نخست وزیر فقید..! شوروی را شناخته بود ونغمه های ناساز آنرا را بامشت های دندان شکن جواب میگفت . وقتی‌که خلع ید شد واربابان خون‌آشام‌شاهزاده فیروزهاوفرمانفرمائیان‌ها و ... رفتند و کاخ رفیع و سر بفلك کشیده استعمار یکصدوپنجاه ساله‌انگلیس واژگون شد دست بیك سلسله اقداماتی زدند تا ملکه حکومت ملی دکتر مصدق را ازکار بیندازند و دستورات اربابان خود را اجرا کنند برای اینمنظور پولها خرج شد و خانواده ها عزادار گردیدند زیرا یکعده فریب خورده از همه جا بی خبر را جلو انداختند و آنها را سپر گلوله های آتشین ساختند تا ۲۳ تیر و ۱۴ آذر و ۸ فروردین بوجود آوردند اینها دست انگستان بود که از آستین حزب توده بیرون می آمد و حرفهای روسیه شوروی سوسیالیستی !... بود که از حلقوم این خلقهای کشاد و قشرهای کلفت خارج میشد زیرا باملی شدن نفت منافع روسیه هم درخطرمیافتاد ودرضمن روسیه هم میخواست نفت شمال ایران را ببلعد وشیلات راکه مدتی بعد قرار دادش باتمام میرسید همچنان دردست‌خود داشته باشد و پایگاه جاسوسی خودکند ولی‌زمستان رفت وروسیاهی بزغال‌ماند نفت ملی شد و ننك و نفرین ابدی نسل آینده‌ما تا ابد برای نوکران پست بیگانه خواهد بودولی باهمه این ننك‌هاو بدنامی‌ها ورسوائی‌هادست‌ازکارهای‌بیشرمانه خود نکشیدند وهرلحظه برنگی درآمدند واسمی برای خود انتخاب کردند تابلکه در لوای تغییر نام برای مدتی دیگر عده معدودی رافریب بدهند.

ولی این بار هم ملت ما باهشیاری نقشه خائنانه آنها را نقش برآب کرد و صدای ناهنجار آنهارا نگذاشت که از حلقوم کثیفشان‌خارج شود اینده‌روزنامه های آنها بیشترمی و وقاحت را بجائی رساندندکه صدای نفرت از هرسو نسبت باین بی‌وطنان برخاست.

روزنامه جرانان باصطلاح دمکرات ایران که پس ازمردن استالین بچاپ رسید در تمام یازده مقاله خود که در مدح استالین نوشته شده‌بود فقط سه‌بار آنهم باین ترتیب‌که «استالین دوست خلق ایران...» حتی یك جمله خیری از میهن‌ما درج‌نشده بود وتمام ۲۰ کلیشه ای که چاپ شده بود عکس های استالین رهبر فقید! ... زحمتکشان و پدرکبیر بی پدرشدگان ورهبر داهی و خردمند بشریت مترقی!.. بود بعد یك متینك مضحك بر پا نمودند وجناب‌آقای نماینده بسیار شریف!.. دولت سوسیالیستی شوروی‌پیام آنهارادریافت کردوجواب آنرا را داد. آیا نوکری بیگانه شاخ و دم دارد؟ آیا سر سپردگی غیر از اینست؟

آیا ندبه وزاری و سینه چاك‌کردن درمرك یکنفر جاه طلب بیگانه‌که تمام هم او مصروف‌بدبخت‌کردن وبزنجیر کشیدن ملتهای ضعیف بود وبخصوص برای ملت ومیهن‌درطول مدت زمامداریش جزضرر چیزی ببار نیاورد چه نام‌دارد؟

آیا پول‌گرفتن و مقدسات ملی را بلجن‌کشیدن ازمیهن پرستی است؟ وآیا اگرکسی بااین رجاله بازیهامخالفت‌کرد نوکر حلقه بگوش امپریالیسم امریکا بشمار میرود؟

برای‌ملت ماکه ازبیگانه جزبدبختی وسیه روزی چیزی بدست نیاورده‌امریکا روس‌وانگلیس‌فرقی‌نمیکندوایرانی بهیچوجه اجازه نخواهد دادکسانی‌که ناموس خود ووطن‌خودرامیفروشند بعنوان‌مبارزه بایك دولت‌استعمارگرخودرادرآغوش‌استعمارگر دیگری بیندازندماهیچگاه‌شعار مرك‌بر سه امپریالیسم امریکا و روس وانگلیس را فراموش نخواهیم‌کرد و هرآن دربی‌آن هستیم تا انتقام خونین و دهشتناك خود را از مسببین بدبختی های یکصد پنجاه ساله اخیر خودرا بازستانیم.

پاینده ایران

رپرتاژ کاملی ازجشن باشکوه ...

چند روز بود که درحزب ملت ایران جنب وجوش عجیبی دیده می شد افراد پان ایرانیست با علاقه بخصوصی در محوطه پشت ساختمان -زب مشغول کار بودند یکعده مامور صاف‌کردن زمین وعده دیگری مامور پرکردن چاله چوله‌هاو عده‌ای نیز بتعمیر دیوارها و درست‌کردن گچ وگل مشغول بودند و در این مدت توانستند حیاط را مسطح ونواقص را برکنار نمایند.

این کار همگانی هر روز اجرا میشد و خرد وکلان افراد حزب با شور و هیجان زایدالوصفی درکار شرکت می‌کردند تا اینکه بالاخره‌بااراده افرادورزیده حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم زمین مطابق دلخواه درآمد.

در وهله اول در نظربود که درهمان زمین مراسم برگذار شود ولی‌چون هوا خوب نبود و هر لحظه بیم آن میرفت که باران شدیدی درگیرد نزدیك بود از اینکار منصرف شده و جشن را در سالن که گنجایش چهار صد نفر را دارد برگزار نمایند. چون مشاهده شد که مدعوین خیلی بیشتر از چهار صد نفر هستند تصمیم گرفته شد که روی زمین را چادربزنند که اگر هم باران آمد مانعی‌وجود نداشته‌باشد چادر مهیا شد و فعالیت افراد نیز برای درست نمودن جایگاه‌ی آبرومند آغاز شد درعرض چند ساعت جایگاه جشن آماده شد و از ساعت پنج‌بعد از ظهر از پشت بلندگو شعارهای مهیجی داده میشد و دربین شعارها صفحات‌مارش

سرور ایرج پرومند درحال صحبت درکنار ایشان سروران امیربیات و پرویز سلطانی دیده میشوند

بگوش میرسید کم‌کم درجلو حزب مردم اجتماع نمودند و بشعارها گوش میدادند سروران پرویزسلطانی‌وایرج برومند بترتیب درپشت بلندگوقرارگرفته‌وباشعارهای

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم پرچمدار مبارزات ملی و برافرازنده شیوه‌وسنن ملی است وماسنت‌های مشترك مردم‌فلات رابرپامیداریم وزنده‌باددکترمحمدمصدق نخست‌وزیرمحبوب ملی ما و زنده‌باد قضات پاکدامن وشرافتمند ونیزکه با صدور رای عادلانه خود مانند دادگاه عدن ننك وبدنامی برای‌خود بجای نگذاشتند وغیره مورد استقبال وکف‌زدن شدید جمعیت انبوهی‌که مقابل درب حزب اجتماع نموده بودند روبروشدند.

از ساعت ۶/۵ بعد از ظهر مدعوینی‌که دعوت‌شده بودند بوسیله سروران مامورین انتظامی بداخل حزب راهنمائی میشدند و افراد گارد نگهبانی حزب با انیفورم های سرمه‌ای خود و در دست داشتن پرچم مبارزاتی حزب وپرچم‌ایران در جایگاه های خود ایستاده بودند. مدعوین که عبارت از وکلا. دانشمندان. مدیران مدارس. مدیران روزنامه ها. روسای اصناف و نویسندگان و خانواده های افراد حزب بودند تا ساعت ۷ بعد ازظهر همه در محل جشن حضوریافتندکه عده آنها بالغ بر هزار نفر بود در این ساعت بوسیله دوست‌مبارزما سروراپراج برومند اعلام برنامه شد.

قسمت اول قرائت سرآغاز بوسیله سرور پرویز سلطانی بود حضار در حالیکه ایستاده بودند سرآغاز قرائت شد دومین قسمت برنامه دکلمه جالبی بود بنام وطن‌که بوسیله سرور تفنگساز اجرا شد و حضار مرتبا ابراز احساسات می نمودند. موضوع دکلمه ایشان اینطور بود «شاعری شودیده ایرانی که دیوانه وطن خود میباشد بقبرستانی میرود و قبرهای کشته شدگان‌را درراه استقلال‌وطن یك بیك تماشا میکند تا اینکه در اثر غصه و فکر درحالتی رویائی فرومیرود در این‌موقع می‌بیندکه گردی از قبری برخاست و ازبین گرد جوانی بیرون‌آمد و باوگفت غصه نخور خدا باماست تااینکه بالاخره شاعر از اسم ورسم او جویا می شود ومی‌بیندکه شهیدی‌است در راه وطن وشاعر از او درمان دردهای خود و اجتماع را میخواهدکه می‌بیند آن شهید پرچم ایران را ازکفن خود بدر آورده و باو میدهد و میگوید دردت را پیداکردم این پرچم را درروی‌قلب خودبگذار تاآتش‌حب‌وطن درسینه‌تومشتعل شودوبرای‌استقلال وسربلندی ایران‌کام برداری» البته دکلمه بصورت نظم بودکه ما مضمون آنرا یادآور شدیم.

دکلماتور باژشت های خوب جلب توجه حضار را نموده بود و وقتی‌پرچم ایران را از سینه بدرآورد باکف زدن شدید حضار روبروشد.

پس‌از دکلمه‌اعلام شد که سرور داریوش فروهر دبیرسازمان مرکزی‌حزب ملت ایران بربنیاد پان ایرانیسم سخن رانی میکنندکه ناگاه‌غریو شادی وکف‌زدن از هرسو برخاست ودر میان ابراز احساسات عجیب وبی‌سابقه‌ای‌که میشد سرور داریوش فروهر پشت تریبون قرارگرفتند ابتدا از مهمانان تشکر نمودند و سپس سخنرانی بسیار جالبی ایراد نمودند که با دست زدن های پیاپی مواجه‌شدسرور فروهر درنطق خودگفتند.

«شاید برای بسیاری جای‌شگفتی باشدکه کسانیکه خود را برای‌پراکندگی» «ایران عزادار میدانند چگونه جشن وشادی میکنند. ولی جشن‌امشب ما بکردار» «پای کوبی سربازانی است‌که سحرگاه فردا بجنك دشمن میروند» وبازگفت

«سربازان سرمه‌ای پوش حزب ما آسودگی را جز درکنج زندان و» «آسایش را جز در بسترمرك نمیجویند»

در این جشن‌بیش از هزار نفر از اصناف مختلف، وکلا، روزنامه نگاران نویسندگان شرکت داشتنددراین عکس آقای مکی میان جمعیت دیده میشوند

و سخنرانی خود را چنین پایان دادند.

«ما می جنگیم تازوزی فرارسدکه ملت ایران سرازنو برچمدار فرهنك» «جهانی گشته و درفش میهن‌ما بربلندترین قلل آسیا افراشته‌گردد»

پس از سخنرانی پیش برده پیام مشترك بوسیله سروران کهن و اسکندری وپرنده‌کهن خوانده شدکه همه به‌ابلهی‌ینکه دنیائیهاو بیچارگی سوداگران‌دریائی از ته‌دل خندیدند و درحالیکه کارگرایرانی به‌پشت کارفرمای انگلیسی وکارفرمای انگلیسی بر پشت یانکی امریکائی سوار شده بودند پیش پرده بپایان رسید.

در این موقع ساز وآواز ایرانی تحت نظر سرور عباس کاظمی شروع و بمدت ۲۰ دقیقه‌مترنم بود وحضار را سرگرم نموده بود.

پس از موسیقی ایرانی یك قطعه شعرازآثار استادپور داود بوسیله‌دوشیزه آذرنوش غدیری عضو سازمان زنان حزب‌ملت ایران بربنیاد پان‌ایرانیسم‌قرائت شدکه از شعرایشان استقبال بی‌نظیری شد وما اکنون قسمتهای برجسته‌ای از این شعر شیوارا بنظر خوانندگان محترم میرسانیم.

فروغ پیروزی ما ملت یداست هنوز — کیش‌زرتشت زآتشکده‌برجاست‌هنوز
تخت دارای بلندا مش برپاست هنوز — طاق کسری‌بلب‌دجله هویداست‌هنوز
ماند آن ملك‌کرومانه یکی نام ونشان
بکشت و بکانیشا و بیزدان سوگند — بارستا و بانجیل و بقرآن سوگند
بچاپای سرداف عزیزان سوگند — بشهیدان بخون خفته ایران سوگند
ناگوار است بما پیروی بیشرفان
وبالاخره شعربااین مسلط ختم شد
ای وطن تاکه مه ومهر بود تابنده — باد نام تو بسر دفتر دل پاینده
خور اقبال تو بر برج شرف رخشنده — باد جان و دل‌خواهات شاد و زنده
دل بدخواه توخونین‌و دوچشمش گریان

پس از شعردوشیزه آذرنوش غدیری اعلام شدکه اکنون برای شما فال حافظ میگیریم این قسمت از برنامه بسیار جالب و برنامه‌ای ابتکاری بودکه در حزب ملت ایران بربنیاد پان‌ایرانیسم اجرا شدبدینطریق که‌در برومنداعلام‌کردند که

«بعضی هادرشب‌چهارشنبه‌سوری فالگوش‌می‌ایستنددربین شمانیزممکن‌است کسانی» «وجود داشته‌باشندکه اگر درجشن‌شرکت نمیکردند حتماً فالگوش‌می ایستادند» «ما برای اینکه‌کار شمارا آسان‌کرده باشیم‌و زحمت فالگوش ایستادن نداشته» «باشید از حافظ برای شماکمك می‌گیریم بدینطریق کارت هائی‌است که‌بخط» «خوشی اشعار حافظ درروی آنهانوشته شده‌است ماهریك ازآنها را داخل» «پاکتی گذاشته‌ایم زشما میتوانید بقیمت ده‌ریال آنها را خریداری کنید» در این موقع‌سروران احمدی وصاحبی که‌بدست آنهاسینی‌محتوی پاکت‌های سر بسته فال بود از دوطرف سالن حرکت کردند جمعیت استقبال بینظیری ازفالنامه کردند وتمام

در این عکس دوشیزه آذرنوش غدیری عضو سازمان زنان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم درحال خواندن شعر دیده میشوند

کارت های فالنامه بفروش رسیددرضمن گفته شدیکنفرکه حاضر باشد نیتش رابگوید فالش‌ازپشت بلندگوخوانده‌میشود دراین موقع‌دوشیزه‌پروین‌شهدوست‌که ازمدعوین بودند فال‌سربسته‌خودرا دادند وگفتند «نیت کرده‌ام‌که آیامصدق درمبارزه‌پیروز میشود وموفقیت ازایرانی هاست یانه» فال بسیار خوب آمد و یك بیت آن این بود:

من و دل گر فنا شویم چه‌باك — غرض اندر میان سلامت اوست

پس ازفال سنتورسرور نراقی شروع وسپس موسیقی ایرانی برهبری‌سرور صادقی ۱۵ دقیقه مترنم‌بود.

قسمت دیگری‌که‌هم برای تماشاچی هاخیلی جالب‌توجه وانترسان بودوهم برای حزب سود سرشار دربر داشت‌حراج امریکائی بود که باپول این حراج تمام خرجهای‌آنشب ازقبیل تهیه،چادر، فرش زیلو، صندلی، بلندگو، چراغهای رنگی. گرامافون‌وسائل آتش بازی‌وغیره شده‌بودوجهش‌درآمد. حراج آمریکائی را سروران پرویز سلطانی وایرج برومنداجراکردند.

ابتدا سرورپرویز سلطانی پشت‌تریبون قرارگرفت وراجع‌باجراوچگونگی حراج آمریکائی توضیحاتی‌دادوشیئی که‌درروی‌آن پرچم‌سرخ‌رنگی که کلمه پاینده‌ایران رویش‌نوشته‌شده‌بود در روی‌میزقرار گرفت هرکسی درباره‌شیئی حراج‌فکری میکرد یکی میگفت که ساعت است دیگری میگفت رادیوست تا اینکه دو طفل خردسال پرده رابرداشتند و تماشاچی ها دیدند پرده‌سبزی‌که روی‌آن نوشته شده بود «زنده» هویداگشت‌سالن‌درسکوت‌فرورفته بودکه پرده‌سبزرابرداشتندو پرده‌سفیدی که کلمه «باد» نوشته بود پیداشدهنوز سکوت‌مطلق حکفرما بود که پرده سفید رنك برداشته‌شدو پرده‌قرمزدیگری‌که «نام مصدق» در روی آن‌نوشته شده‌پیداشد

در این‌موقع حضارشروع بکف‌زدن نمودند وغریو شادی.

ازهرسو برخاست چندین دقیقه‌متوالیا ابراز احساسات شدولی‌بازهم هنوز معلوم نبود شیئی که برای حراج در نظرگرفته‌شده چیست دوطفل خردسال‌پرده سوم را برداشتند که عکس جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب وملی ما با قابی طلائی رنك هویدا شد دوباره هلهله وغریو شادی از تماشاچیان برخاست حراج شروع شد حراج عکس از ده تومان شروع وحد نصاب‌آن‌هشتصد وده تومان بود قیمت‌عکس از ده تومان بصد تومان واز صد بدویست‌و از دویست به سیصد تا به ششصدوده تومان رسیددراین موقع آقای‌رائین چکی بمبلغ دویست تومان دادند وبرنده عکس دکتر مصدق شدند وتقاضاکردند عکس پس‌از امضای آقای دکتر مصدق بموزه ایران باستان اهدا شود پس‌از حراج موسیقی خارجی آکوردیون یحیی ستوده ویلن‌سمدی ضرب کاظمی درسه قسمت شروع شدکه‌بسیار جالب توجه واقع شد سپس سرود فردای مابوسیله ده تن از افراد حزب‌ملت‌ایران خوانده شد

آخرین قسمت برنامه شب چهارشنبه سوری حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم آتش بازی بودکه درخیابان صفی علیشاه انجام شد

درحالیکه‌شعله فروزان آتش سربآسمان کشیده بود جوانان‌برومند وشجاع حزب ملت ایران بربنیاد پان ایرانیسم دستها را حلقه نموده وباقیافه بشاش بدور آتش میچرخیدند و باصدای مردانه ورسای خود سرود فردای مارامیخواندند

این بود ربوتاژجشن‌شب‌چهارشنبه‌سوری‌یکی‌ازسنت‌های مشترك مردم فلات

روزهای یکم ودوم فروردین از ساعت ۸ تا ۱۲ بامداد دبیر سازمان مرکزی در دفترکار خود از دوستان حزبی پذیرائی مینمایند.

دفتر سازمان مرکزی

بپا خیزید تا در سال نو همه پلیدی‌ها و زشتی‌ها را از ایران برانیم